

رانتیریسیم و توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

سعید باغخانی^۱

مجید کفاشی^۲

سروش فتاحی^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۹

چکیده

امروزه اهمیت نفت بر کسی پوشیده نیست و پیامدهای ناشی از درآمدهای حاصل از آن در همه حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی کشورهای صادرکننده تأثیر می‌گذارد، بررسی این پیامدها بدون در نظر گرفتن شرایط سیاسی - اجتماعی مرتبط با دولت بیهوده می‌باشد. ایران کشوری است که اقتصاد آن همواره متکی به نفت بوده و از همین رو در این پژوهش سعی شده است با یک روش دلفی به بررسی رانتیریسیم و توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران با چهار هدف شناسایی تهدیدها، فرصت‌ها، نقاط ضعف و نقاط قوت پرداخته شود که با استفاده از روش دلفی به میدان تحقیق رفته و از صاحب‌نظران طی مراحل دلفی سؤالاتی پرسیده شد تا توافق نظر صورت پذیرد، که اهم نتایج این تحقیق بدین شرح می‌باشد: فرصت‌های رانتیریسیم: تقویت بنیه نظامی، فراهم شدن راه‌های خروج از وابستگی سیاسی و اقتصادی و امکان برقراری روابط بین‌المللی مناسب از طریق درآمدهای ناشی از فروش نفت، تهدیدهای رانتیریسیم: مداخله گسترده کشورهای خارجی، کاهش امنیت ملی و عدم تعامل با اقتصاد جهانی نقاط قوت رانتیریسیم: شکل‌گیری طبقه متوسط، نهاد سازی اجتماعی، نظم و دولت مدرن، نقاط ضعف رانتیریسیم: عدم جدیت در دریافت مالیات، تمرکز منابع در دست دولت، عدم تشکیل گروه‌های مستقل.

واژگان کلیدی: رانت، دولت رانتیر، رانتیریسیم، توسعه سیاسی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

majidkaffashi@gmail.com

۳- دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

تأمل در باب توسعه و نقش دولت‌ها در آن همیشه مورد دغدغه متفکران و سیاستمداران بخصوص در کشورهای توسعه‌نیافته و جهان سوم بوده است، و در چند دهه اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و نخبگان فکری کشورهای جهان سوم را عمیقاً به خود جلب کرده و در کانون علایق فکری اندیشمندان علوم اجتماعی و علوم سیاسی آن کشورها قرار گرفته است چرا که در این گونه کشورها فرآیند توسعه و توسعه‌نیافتگی، چالش اصلی جامعه می‌باشد و همه وقایع و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصاد موجود، خواه‌ناخواه تحت تأثیر آن قرار دارند (کدیور، ۱۳۸۶: ۲۱۰-۱۹۰). وجود دولت و تأثیر آن در همه دوره‌های تاریخی برای حفظ امنیت و در دوره‌های جدید برای پیشرفت و توسعه کشورها یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود، اما در کشورهای توسعه‌نیافته، دولت به‌عنوان یک عنصر بسیار مؤثر نقش حیاتی بازی می‌کند. به‌رغم رشد جامعه مدنی و نهادهای واسط در حوزه عمومی و گسترش مؤثر بخش خصوصی به نسبت دوران گذشته، میزان تأثیر دولت در فرآیند توسعه بیشتر از دوره تاریخی که غرب در محدودیت حوزه عمومی و مدنی قرار داشت عمل می‌کند. از این رو بخشی از بی‌ثباتی و توسعه‌نیافتگی در کشورهای در حال توسعه به دولت‌ها و عدم ایفای نقش‌های مؤثر آن‌ها باز می‌گردد (شوشتری، سعید، ۱۳۸۸: ۴).

توسعه سیاسی که به معنای توسعه مشارکت و رقابت سیاسی می‌باشد علیرغم همه چالش‌ها و مشکلات فراوان، به‌عنوان یک هدف بزرگ سیاسی، سال‌های زیادی است که در قسمت‌هایی از جهان به‌ثمر نشسته، ولی هنوز در اغلب کشورهای جهان سوم از داشتن چنین موهبت بزرگ محروم هستند و برعکس آن به‌جای توسعه سیاسی با انواع و سطوح مختلف عدم توسعه‌نیافتگی و عدم استواری سیاسی دسته و پنجه نرم می‌کنند (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۳۸۲-۲۱۴). مفهوم فوق‌الذکر سالیان متمادی در ایران همچون سایر کشورهای در حال توسعه به مثابه یک هدف آرمانی و مطلوب شناخته می‌شود، (قادر، ۱۳۹۲: ۲). انقلاب جمهوری اسلامی ایران که انقلابی مردمی می‌باشد درصدد ارائه الگو و مدلی جدید با هدف رسیدن جامعه به تعالی و توسعه است در همین راستا اقداماتی جهت گسترش احزاب و سازمان‌های مردم نهاد و تحقق جامعه مدنی صورت گرفت و به‌دنبال این اقدامات آسیب‌شناسی و نقد امور مربوطه به توسعه سیاسی اهمیت بیشتری پیدا کرد تا جایی که با شروع دهه چهارم ایران این بحث به یکی از دغدغه‌های جمهوری اسلامی تبدیل شد تا جایی که رهبری ایران چهارمین دهه انقلاب اسلامی را دهه پیشرفت و عدالت نامید که «پیشرفت و عدالت»، معادلی برای توسعه همه‌جانبه در ادبیات جدید می‌باشد. مجموع دیدگاه‌های رهبری جمهوری اسلامی ایران نشان حاکی از آن است که این مفهوم بار معنایی معادل توسعه سیاسی دارد و جهت تمایز از توسعه غربی، مقید به ضابطه اسلامی عدالت شده است. از سوی دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سه آرمان مهم آزادی، عدالت و استقلال نهادینه شده است و

به عبارتی انقلاب اسلامی برای رسیدن به این سه آرمان به وقوع پیوست که تحقق آن به توسعه سیاسی پیوند می‌خورد (شفیعی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۰۵-۱۰۴).

بدون تردید منابع زیرزمینی و طبیعی، ذخایر با ارزشی هستند که در اختیار دولت‌ها و ملت‌ها قرار دارد و اینگونه انتظار می‌رود که استفاده درست و بهینه از سود حاصل این ذخایر می‌تواند کشورها را به سوی توسعه سوق دهد و یا روند حرکت به سوی توسعه در آن کشورها را تسریع بخشد، اما در واقع تجربه در کشورهای مختلف آسیایی و آمریکای لاتین نشان می‌دهد که علیرغم دارا بودن این کشورها از منابع طبیعی هنگفت توسعه ضعیفی دارند و سطح زندگی ساکنین شان بسیار پایین است. بر همین اساس بیلووی و لوچیانی مفهوم رانتیریسیم و نظریه دولت رانتیر^۱ را مطرح می‌کنند که بیشتر مختص جوامع و دولت‌های خاورمیانه‌ای می‌باشد بر پنج پایه اصلی استوار است: نخست تعریف رانت به مثابه درآمد باد آورده حاصل از فروش منابع طبیعی دوم: ابتناء بخشی مهم (بالای ۴۲ درصد) از درآمد بر رانت به شکلی منظم و مستمر سوم: غیر تولیدی بودن اقتصادهای رانتی و کسب درآمد از طریق فروش منابع در بازارهای خارجی و نه از طریق فعالیت‌های مولد داخلی چهارم تولید رانت توسط اقلیت جامعه و مصرف رانت توسط اکثریت جامعه پنجم انحصار دریافت و کنترل هزینه رانت توسط دولت (Beblavi & luciani, 1987:10-12).

بر اساس این پنج پایه اصلی نگاه بیلووی و لوچیانی می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌های رانتی اقتصاد آن‌ها بر پایه فروش منابع زیرزمینی (آستانه ۴۲ درصدی) می‌باشد، دارای اقتصاد عموماً دولتی، تولید ناخالص داخلی محدود، جدایی رانت با تولیدات داخلی و تنها تعداد کمی از افراد درگیر تولید رانت هستند و اکثر افراد این جوامع دریافت‌کننده و توزیع‌کننده رانت می‌باشند.

پیوند میان اقتصاد و سیاست در ایران پیشینه درازی دارد و در تاریخ معاصر نیز ماهیت دولت و اقتصاد رانتیر، چنین پیوندی را تداوم و عمق بخشیده است، و دولت‌ها غالباً از منابع اقتصادی به‌عنوان هژمونی سیاسی بهره گرفته‌اند. پس از انقلاب ۱۳۵۷ با توجه به اینکه بسیاری از ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ارزشی نسبت به قبل از انقلاب تغییر کرد اما در ساختار اقتصادی (ساختار رانتی و متکی بر فروش منابع طبیعی) تغییری صورت نپذیرفت، به طوری که در چهار دهه اخیر کشور ایران از محل فروش دارایی‌هایی مانند نفت و گاز درآمدهای هنگفتی و سرمایه عظیمی کسب کرده و از ۱۲۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۵۷ به ۱۸۴/۱۰۰ میلیارد تومان در پایان سال ۱۳۹۶ رسیده است، اما این ثروت همواره کارکردهای مثبت و منفی در روند همه‌جانبه توسعه ایران داشته است و باید ضمن شناسایی کارکردهای مثبت منفی آن، بررسی کرد که چگونه می‌توان از تهدیدهای آن در روند توسعه به فرصت برسیم و از ضعف‌ها قوت‌ها را بوجود بیاوریم.

حال با توجه به مطالب فوق این پژوهش با یک مطالعه دلفی و بر اساس الگوی SWOT به دنبال پاسخگویی به چهار سؤال به شرح ذیل می‌باشد:

۱- نقاط قوت دولت رانتیر در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

۲- نقاط ضعف دولت رانتیر در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

۳- فرصتهایی که دولت رانتیر در توسعه سیاسی ایران بوجود آورده چیست؟

۴- تهدیدهایی که دولت رانتیر در توسعه سیاسی ایران بوجود آورده است چیست؟

رویکرد نظری تحقیق مبتنی بر متغیر وابسته (توسعه سیاسی) و متغیر مستقل (رانتیریسیم) است که در ذیل به شرح آن پرداخته‌ایم:

امروزه مقوله توسعه سیاسی از مباحث مهم در بین نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران توسعه در محافل آکادمیک و بین‌المللی دنیا بخصوص در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. زیرا در این کشورها ثبات سیاسی در گروه توسعه سیاسی می‌باشد. به همین دلیل اهمیت توسعه سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد مفهوم توسعه به شکلی است که بحث درباره روند شکل‌گیری آن و یا عدم شکل‌گیری آن به یکی از مهمترین مباحث اندیشمندان و پژوهشگران حوزه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و... تبدیل گردیده است. تاریخچه نظریه‌پردازی در باب توسعه سیاسی (دموکراسی) به یونان باستان باز می‌گردد. فلاسفه یونان باستان همچون ارسطو، افلاطون و سقراط نسبت به دموکراسی نگاه منفی به نظام سیاسی دموکراسی داشتند و همواره اینگونه نظام‌ها را مورد نقد خود قرار می‌دادند. همین نگاه‌های منتقد و موافق در طول دوره‌های تاریخی مختلف باعث ماندگاری اندیشه دموکراسی گردید.

پس از گذر از سده‌های میانه و پیدایش نظام‌های سیاسی نمایندگی باز سخن از مردم‌سالاری رونق گرفت. و آراء و نظریات نظریه‌پردازی همچون ژان ژاک روسو و جان لاک و... رونق جدیدی به تئوری داد. در قرن هجدهم میلادی و با وقوع انقلاب فرانسه بستری جدید برای نظریه‌پردازی در باب توسعه سیاسی فراهم شد (وفایی، ۱۳۹۳: ۳). عمده تئوری‌های توسعه بعد جنگ جهانی دوم شکل گرفت در همین راستا «کمیته سیاست‌های تطبیقی» در آمریکا تاسیس گردید تا به بررسی دلایل تأخیر کشورهای جهان سوم در نوسازی بپردازد. و بر همین اساس کمک به نوسازی کشورهای جهان سوم در اولویت اقدامات سیاسی ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. تا جایی که جان اف‌کندی از اولویت‌های اصلی پیشنهادی خود به کشورهای آمریکای لاتین در برنامه «اتحاد برای ترقی» را در راه دموکراسی و آزادی معرفی کرده بود (بدیع، ۱۳۷۵: ۷۷).

اکنون که بیش از نیم قرن از شروع مطالعات و نظریه‌پردازی توسعه سیاسی گذشته است و طی این مدت نظریه‌پردازان و پژوهشگران به مطالعه فرآیندهای توسعه سیاسی در کشورهای گوناگون پرداخته‌اند. «جریان توسعه‌گرایی کلاسیک و در چارچوب آن، مدرنیسم، رهیافت نخستین پژوهش‌ها بود و به تدریج به‌منظور چیره شدن بر ضعف‌ها و کاستی‌های نظریه‌های نوسازی، جریان بازشناسی جامعه‌شناسی

و مطالعات تاریخی (بدیع، ۱۳۷۶: ۲۲؛ Huntington, 1971:325)، چارچوب‌های کلان مطالعات را فراهم کرده‌اند و به دنبال رویکردها در دهه‌های اخیر، نظریه‌های دموکراتیزاسیون (Riggs, 1981: 235) و حکمرانی خوب (ikander, 2015: 145) نیز مطرح شده‌اند.

با نگاهی به تاریخ معاصر کشور ایران در می‌یابیم که وقوع انقلاب مشروطه اولین حرکت به سوی توسعه سیاسی در کشور بوده است، و بعد آن روند توسعه سیاسی در این کشور همواره فراز و نشیب‌هایی به همراه داشت اما مهمترین و پررنگ‌ترین حرکت به سوی رسیدن به شاخص‌های مطلوب توسعه سیاسی، حرکت جامعه در انقلاب اسلامی بوده است زیرا وجه تمایز انقلاب اسلامی با سایر امواج قبلی در این است که پیشرانها و نیروهای تأثیرگذار بر نهادینگی توسعه سیاسی، تا کنون از رشد چشمگیری برخوردار شده‌اند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸-۳۶).

دوره چهل ساله انقلاب اسلامی (تا زمان انجام تحقیق حاضر)، معیار خوبی جهت بررسی روند دستیابی به توسعه سیاسی در کشور ایران می‌باشد، توسعه سیاسی یکی از آرمان‌ها و اهداف مهم انقلاب اسلامی بوده است. شیوه تحقق توسعه سیاسی را در قالب افزایش ظرفیت‌های نظام، برابری و انفکاک ساختاری پوشش می‌دهد.

نظام جمهوری اسلامی از همان آغاز خود بیش از هر چیزی به برابری و عدالت اجتماعی به‌عنوان پیش نیاز توسعه سیاسی پرداخت و در دوران سازندگی بعد از جنگ در قالب «سازندگی اقتصادی - اجتماعی، گسترش و تجهیز زیرساخت‌های لازم در جهت رسیدن به توسعه در دستور کار خود قرار داد. اواسط دهه ۷۰ با فراهم شدن امکانات و مقدمات ساختاری و انسانی لازم، به مقوله توسعه سیاسی و مؤلفه‌های آن توجه بیشتری شد. با انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و مشارکت ۸۰ درصدی مردم در این انتخابات چهره جدیدی از ظرفیت مردم‌سالارانه این نظام بروز کرد که دولت وقت از این فرصت برای پوشش دادن به مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف توسعه سیاسی بهره برد، مانند توسعه و افزایش مطبوعات و اطلاع‌رسانی، گسترش احزاب و گروه‌های سیاسی، تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد، گسترش اینترنت در نقاط مختلف کشور، انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در کشور و تقویت گفتمان اجتماعی و فضای نقد در جامعه.

حوزه مطبوعات که با آغاز جنگ تحمیلی ۸ ساله تضعیف گردیده بود در دوران سازندگی جان دوباره‌ای گرفت به‌گونه‌ای که از ۱۶۳ تعداد کل مطبوعات به ۶۶۰ مطبوعه در سال ۱۳۷۵ (رشد ۴۰۰ درصد) رسید. (شفیعی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۱۷، به نقل از مرکز آمار ایران، تحولات اجتماعی اقتصادی، . . .) و این روند در دوران اصلاحات (۱۳۷۶ الی ۱۳۸۴) به اوج خود رسید تا جایی که در سال ۱۳۸۳ تعداد کل مطبوعات به عدد ۲۸۱۷ عنوان رسید. (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۸۶) که خیلی بالاتر از پیش‌بینی برنامه سوم توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران بوده است. در دوره اصول‌گرایی این روند نیز باز افزایش یافت و در سال ۱۳۹۱ تعداد کل مطبوعات به رقم ۵۶۰۶ مطبوعه افزایش یافت (سالنامه آماری

ایران ۱۳۹۱). علاوه بر این حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز پیشرفت شگرفی داشت، گسترش ضریب نفوذ اینترنت و به دنبال آن پیدایش خبررسانی‌های اینترنتی گسترش یافت که این امر سهم مهمی در اتقاء آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی، آزادی بیان و فعالیت و مشارکت سیاسی داشت، ضریب نفوذ اینترنت در سال ۲۰۱۱ به میزان ۷ درصد بوده است (سالنامه آماری ۱۳۹۱).

احزاب مجری اجرای سیاست و رابط بین جامعه و دولت هستند. و در کشورهای توسعه یافته، توسعه سیاسی بدون وجود احزاب سیاسی معنا و مفهومی ندارد. تا سال ۱۳۷۵ تعداد احزاب موجود در ایران ۳۵ حزب سیاسی بود که از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب مجوز فعالیت گرفته بودند، اما با شروع دوره اصلاحات در کشور این تعداد افزایش و فعالیت آن‌ها گسترش یافت، در این دوره با تشکیل خانه احزاب و اختصاص یارانه به احزاب دولت وقت به رشد کمی آن‌ها کمک کرد به گونه‌ای که تنها در سال ۱۳۷۷، تعداد ۴۲ حزب و در سال ۱۳۷۸، ۳۰ حزب مجوز فعالیت دریافت کردند (اداره کل سیاسی، ۱۳۷۹: ۲). و تا پایان دوره اصلاحات تعداد احزاب دارای مجوز در کشور به ۲۲۰ حزب رسید.

گروه‌های سیاسی و سازمان‌های مردم نهاد نیز از دیگر شاخص‌های توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران هستند و همواره مورد توجه دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی به عنوان بخشی از پروژه وقوع جامعه مدنی بوده‌اند، (محمدزاده، ۱۳۸۲: ۱۸۲-۱۸۱). بعد کانون صنفی معلمان، یکی از مهم‌ترین و سیاسی‌ترین کانون‌های صنفی تحت عنوان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران شکل گرفت و در این زمینه اتحادیه روزنامه‌نگاران مسلمان و انجمن روزنامه‌نگاران زن نیز بوجود آمد. طبق اسناد قانون برنامه سوم مقرر بود که طی سال‌های اجرای این برنامه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) سازمان‌های غیردولتی مربوط به جوانان با رشد ۲۱/۳ درصدی مواجهه شوند (قوه قضائیه، ۱۳۸۰: ۱۴)، اما با تسهیل قوانین و مقررات تشکیل سازمان‌های مردم نهاد این سازمان‌ها با رشد چشمگیری مواجهه شدند که بسیار بیشتر از پیش‌بینی برنامه توسعه مذکور بود، به گونه‌ای که تعداد آن‌ها را ۲۰ تا ۳۰ هزار تخمین زده‌اند. (محمدزاده، ۱۳۸۲: ۱۹۱، کدیور، ۱۳۸۶: ۱۷۵) و از جمله این سازمان‌ها که نمود جهانی نیز پیدا کرد سازمان‌های زیست محیطی بودند که از ۳۰ سازمان به ۲۰۰ سازمان افزایش یافتند (شفیعی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

در توصیف نظری متغیر مستقل پژوهش باید گفت که اقتصاددانان کلاسیک اولین گروهی بودند که از مفهوم رانت سخن به میان آوردند و پس از آن نئوکلاسیک‌ها این مفهوم را با دیدگاه جدیدی بیان کردند. دیوید پیرس در «لغت‌نامه اقتصاد مدرن» رانت را این‌گونه تعریف می‌کند: «رانت پرداختی است در ازای یک فاکتور، بیشتر از آنچه که برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن ضروری است» (Beblawi and Luciani, 1986: 67).

همان‌طور که در بالا گفته شد اقتصاددانان کلاسیک همچون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو نیز به مفهوم رانت توجه داشته‌اند، آدام اسمیت بر آن است که میان رانت و دیگر منابع درآمد مانند مزد و سود تفاوت وجود دارد، بر اساس نظر وی «رانت به شیوه متفاوتی از دستمزد و سود در ترکیب قیمت کالاها

داخل می‌شود. دستمزدها و سودهای بالا و پایین، مسبب قیمت بالا یا پایین می‌شود اما رانت بالا یا پایین مسبب قیمت بالا یا پایین نیست بلکه نتیجه آن می‌باشد» (Smith, 1960: 412). رانت به‌عنوان مثال صرفاً درآمدی برای یک صاحب زمین یا خانه نیست، بلکه جایزه‌ای در ازای مالکیت منابع طبیعی است. ریکاردو یکی دیگر از نظریه‌پردازان اقتصاد کلاسیک معتقد است: «معادن و زمین منبع رانت برای مالکان آن‌ها می‌باشند و این رانت نتیجه‌ی ارزش بالای محصولات معادن و زمین است نه علت آن» (Ricardo, 1962: 590). به‌طور کلی زمانی که از رانت سخن می‌رود منظور «درآمدی است که از هدیه طبیعت استخراج می‌گردد» (Principles, 1920: 43). بدین ترتیب می‌توان دریافت که رانت درآمدی است که بدون تلاش به‌دست می‌آید و در مقابل مفاهیمی چون مزد و سود به‌کار می‌رود که نتیجه فعالیت و تلاش اقتصادی است.

پس رانت هدیه‌ای است که جوامع دارا از منابع طبیعی آن را دریافت می‌کنند، این هدیه بدون تلاش و زحمت به‌دست می‌آید و در مقابل مفاهیمی همچون سود و حقوق قرار می‌گیرد. بنابراین درآمد حاصل از فروش نفت و یا دیگر منابع همچون الماس رانت محسوب می‌گردد. ضمناً دیگر ویژگی رانت کمیابی آن می‌باشد زیرا منابع طبیعی در همه جا وجود ندارد و فقط مناطق خاصی در دنیا از این نعمت‌های خدادادی بهره‌مند هستند و همین امر باعث ایجاد ارزش افزوده برای مالکین آن‌ها می‌گردد، البته این نکته نیز حائز اهمیت است که مفهوم رانت امروزه دیگر تنها به منابع طبیعی مربوط نمی‌شود و این دامنه گسترده‌ای را فرا گرفته است.

نظریه‌پردازان رانت‌پریشی‌هایی را برای دولت‌های رانت‌پریش برشمردند که بدین شرح می‌باشد:

۱- از آنجا که تمام اقتصادها دارای برخی مشخصه‌های رانتی هستند، از این رو باید برای رانت‌پریش بودن، این معیار را در نظر گرفت که رانت قسمت عمده درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. در کتاب دولت رانت‌پریش عدد ۴۲ درصد به بالا را در نظر گرفته شده است. بدین معنا که هر کشور که ۴۲ درصد یا بیش‌تر از کل درآمدش از رانت خارجی باشد دولت رانت‌پریش نامیده می‌شود.

۲- این رانت‌ها باید از خارج از کشور تأمین شوند. به عبارت دیگر، رانت هیچ‌گونه ارتباطی با فرآیندهای تولیدی در اقتصاد داخلی کشور ندارد.

۳- در یک دولت رانت‌پریش فقط درصد بسیار کمی از نیروی کار درگیر تولید رانت می‌باشد و بنابراین اکثریت جامعه دریافت‌کننده یا توزیع‌کننده رانت هستند.

۴- دولت رانت‌پریش دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است و نقش اساسی در هزینه نمودن آن را ایفا می‌کند.

بدین ترتیب اکثر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت را می‌توان دولت رانت‌پریش نامید. رانت خارجی که مستقیماً به خزانه این دولت‌ها سرازیر می‌شود و هیچ‌گونه ارتباط جدی با فعالیت‌های اقتصادی داخل کشور ندارد، دارای عواقب متعددی برای دولت، رابطه دولت و جامعه و همچنین اقتصاد ملی می‌باشد.

به‌طور کلی ادبیات دولت رانتیر در جوامع نفتی خاورمیانه، بر رانت نفت و چند فرض محوری تمرکز دارد: فرض اول، نفت باعث استقلال دولت از جامعه، ظهور دولت قوی و جامعه مدنی ضعیف می‌شود. فرض دوم، نفت زمینه‌ساز غیرسیاسی شدن جامعه، افول دموکراسی و ظهور دولت‌های غیر دموکراتیک را هموار می‌کند. فرض سوم، نفت باعث شکل‌گیری نوعی توافق ضمنی میان دولت و جامعه رانتی بر مبنای «عدم اخذ مالیات توسط دولت از جامعه» و در مقابل، «عدم درخواست توزیع قدرت توسط جامعه از دولت» می‌گردد. فرض چهارم، نفت نخبگان قدرت حاکم برای جلب همکاری نخبگان غیر حاکم، افزایش سطح رفاهی طبقات اجتماعی، کسب مشروعیت و کنترل جامعه است. فرض پنجم، نفت منجر به رشد حجم بروکراسی و استفاده از آن برای توزیع رانت و نیز اشتغال گروه‌های مختلف در بروکراسی می‌شود. فرض ششم، نفت باعث تکوین روحیه رانتی و بسط اخلاق رانت جویانه در جامعه می‌گردد. فرض هفتم، نفت زمینه‌ساز رواج فرهنگ فرصت‌طلبی و استراتژی نزدیکی به نخبگان سیاسی حاکم به‌عنوان یگانه راه دستیابی به قدرت و ثروت است. فرض هشتم، نفت باعث تکوین اقتصاد دولتی / شبه دولتی و گسترش فساد بروکراتیک می‌شود. فرض نهم، نفت به عدم شفافیت و ضعف حاکمیت قانون در جوامع نفتی دامن می‌زند. فرض دهم، نفت عامل مهم افزایش نابرابری و توزیع غیر عادلانه رانت در جامعه و افول سرمایه انسانی است. فرض یازدهم، نفت فرهنگ شانس و تصادف و نه کار و فعالیت را تقویت می‌کند. فرض دوازدهم، نفت افزایش ظرفیت منازعه سیاسی، نظامی شدن سیاست، جنگ و آشوب در جوامع نفتی است. فرض سیزدهم، رانت نفت باعث بی‌ثباتی دولت رانتیر نفتی می‌شود و فرض چهاردهم، اقتصاد نفتی به نفرین منابع و رشد اقتصادی پایین، افول اقتصاد کشاورزی، بروز بیماری هلندی و پدیده‌ی غیر صنعتی شدن در جوامع خاورمیانه منجر می‌گردد (ستاری، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۶).

روش

رویکرد کلی این پژوهش به لحاظ نوع تحقیق اکتشافی کیفی و کاربردی می‌باشد که ماهیتی بیشتر انتزاعی^۱ دارد و شامل بررسی و انعکاس ادراک افراد به منظور فهم کنش‌های انسانی و اجتماعی است (علیدوستی، ۱۳۸۵: ۹). روش مورد استفاده در این پژوهش روش کیفی دلفی می‌باشد، روش دلفی یک روش نظام‌مند در ارتباط ساخت‌دار میان متخصصان یا اندیشه‌داران است که در آن تلاش می‌شود با مدیریت یا هدایت یک گروه‌هی ناظر یا تسهیل‌گر و با استفاده از پرسشنامه در خصوص یک مساله یا موضوع اظهار عقیده و در نهایت توافق ایجاد شود. هر چند روش دلفی مبتنی بر پرسشنامه است اما این پرسشنامه یک پرسشنامه باز پاسخ است که معمولاً به داده‌های کیفی و گاهی کمی منتج می‌شود و از این رو در قالب پژوهش‌های کیفی طبقه‌بندی می‌شود.

رانتیریسیم و توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

بنابراین، در دلفی متخصصان طی چند دوره یا راند^۱ این امکان را می‌یابند تا با توجه به دیدگاه‌ها و استدلال‌های همدیگر پاسخ‌های خود را تعدیل کنند و به قابل قبول‌ترین پاسخ‌ها برسند یا نزدیک شوند، و یا اینکه به واسطه ارائه نهاده یا نظر و مواجهه با برابر نهاده یا نظر مخالف به یک نهاده یا عقیده مشترک جدیدی دست یابند (میرزایی، ۱۳۹۵: ۳۷۸-۱۳۹۵).

در این پژوهش طی ۴ راند سعی شده است از صاحب‌نظران در باب عنوان پژوهش بر اساس الگوی SWOT سؤالاتی پرسیده شود تا اتفاق نظر صورت گیرد. در این پژوهش نقاط قوت و ضعف در تحلیل سوات عوامل درونی دخیل در نقش رانتیریسیم در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران هستند. در حالی که فرصت‌ها و تهدیدها عوامل خارجی نقش رانتیریسیم در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

در همین راستا پرسشنامه‌ای بر اساس ماتریس سوات مطابق با جدول ذیل در اختیار متخصصین امر قرار گرفت. و جهت انعطاف پاسخگویان در پاسخ‌دهی به سؤالات در انتها از آن‌ها خواسته پیشنهادهای خود را در زمینه رفع مخرب‌ها بیان کنند.



شکل (۱): ماتریس سوات (SWOT)

یافته‌ها

اساس نتایج حاصله از مراحل دلفی این پژوهش و همچنین بر اساس وزن‌دهی گویه‌ها که توسط صاحب‌نظران عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها صورت گرفت، مهم‌ترین تهدیدها و فرصت‌هایی که رانتیریسیم در روند توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران آورده است به ترتیب اولویت به شرح جداول ذیل می‌باشد:

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هفدهم، شماره شصت و ششم، پاییز ۱۳۹۹

جدول (۱): فرصت‌های رانتیرسیم در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عنوان گویه	جمع‌بندی دلایل	میانگین نمرات
۱	تقویت بنیه نظامی	عامل رشد قدرت سیاسی در عرصه بین‌الملل می‌گردد.	۱۵/۶۵
۲	فراهم شدن راه‌های خروج از وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی	می‌توان با یک مدیریت صحیح از سطوح اولیه استخراج منابع تا مرحله پالایش و فروش، شرایطی را فراهم آورد تا از نفت و گاز به‌عنوان یک عامل مهم در جهت رشد اقتصادی و به دنبال آن افزایش قدرت سیاسی بهره برد.	۱۵/۳۰
۳	امکان برقراری روابط بین‌المللی مناسب از طریق درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی	تجارت نفت و قدرت حاصل از آن می‌تواند زمینه توسعه سیاسی در عرصه بین‌الملل بوجود آورد.	۱۵/۱

جدول (۲): تهدیدهای رانتیرسیم در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عنوان گویه	جمع‌بندی دلایل	میانگین نمرات
۱	زمینه مداخلات گسترده خارجی را در کشور باز می‌کند.	ذخایر رانتی دارای جاذبه‌هایی توسط کشورهای ابر قدرت جهان هستند و همواره آن‌ها قصد دخالت در سیاست‌های آن کشورها دارند.	۱۴/۶۱
۲	کاهش امنیت ملی	وابستگی شدید اقتصاد ایران به نفت، ضعف بزرگی برای آن محسوب می‌گردد و شرایطی را ایجاد می‌کند که نیروهای بیگانه با تمرکز بر این عامل حیاتی از طرق مختلفی مانند تحریم و ... اقتصاد ایران را تضعیف کنند که مطمئناً به دنبال آن ضعف امنیت ملی را شاهد خواهیم بود.	۱۴/۲۲
۳	عدم تعامل فعال با اقتصاد جهانی	دولت‌های رانتیر به دلیل دستیابی آن‌ها از ثروت‌های بادآورده و عدم شفافیت مالی آن‌ها، کمتر علاقه به ارتباط گسترده با اقتصاد بین‌الملل دارند و این امر تأثیر بر سیاست‌های خارجه آن‌ها می‌گذارد و آن‌ها را به انزواء در عرصه سیاسی سوق می‌دهد.	۱۳/۷۲

جدول (۳): نقاط قوت رانتیرسیم در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عنوان گویه	جمع‌بندی دلایل	میانگین نمرات
۱	شکل‌گیری طبقه متوسط		۱۵/۲۸
۲	افزایش نهاد سازی اجتماعی		۱۵/۱۸
۳	کمک به ایجاد دولت و نظم سیاسی مدرن		۱۵/۰۹
۴	دسترسی ساده اقشار جامعه به شبکه‌های اجتماعی	ثروت حاصل از رانت باعث بالا رفتن سطح رفاه اجتماعی در جامعه می‌گردد و سطح رفاه اجتماعی نیز عامل ارتقاء سطح آگاهی و دانش جامعه می‌شود که می‌تواند به تحقق گویه‌های مربوطه کمک کند.	۱۴/۷۷
۵	ورود عوام به سیاست		۱۴/۷۴
۶	انجام و ثبات سیاسی		۱۴/۵۹
۷	فراهم کردن ساز و کار جامعه مدنی		۱۴/۵۱
۸	قدرت تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی توسط اقشار جامعه		۱۴/۲۳
۹	ایجاد جنبش‌های ضد استعماری و ضد استبدادی		۱۴/۰۳

جدول (۴): نقاط ضعف رانتیرسیم در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عنوان گویه	جمع‌بندی دلایل	میانگین نمرات
۱	عدم جدیت در دریافت مالیات از مردم در مقابل عدم پاسخگویی دولت به ملت	وابستگی شدید دولت به ثروت حاصله از رانت باعث کاهش بار مالی دولت بر جامعه می‌شود و به همین دلیل دولت رانتیر عزم جدی برای دریافت مالیات از مردم ندارد و در چنین شرایطی به دلیل عدم دریافت مالیات از مردم نیازی به اعطای دموکراسی به آن‌ها نمی‌بیند. به گفته رییس امور مالیاتی در ایران طبق برآوردها ۳۵ الی ۴۵ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی وجود دارد.	۱۶/۷۸
۲	تمرکز منابع عمده درآمد در دست دولت	در دولت‌های رانتی، دولت دریافت‌کننده و تولیدکننده انحصاری رانت است و دولت تصمیم می‌گیرد که رانت در کدام قسمت‌های جامعه هزینه گردد.	۱۵/۶۳
۳	عدم شکل‌گیری گروه‌های مستقل اجتماعی	با تمرکز قدرت در دستان دولت، امکان توسعه سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی برای کسب قدرت و نهایتاً توسعه سیاسی از جامعه سلب می‌گردد.	۱۵/۲۱
۴	استقلال دولت از جامعه	ماهیت رانت به شکلی است که در آن جامعه وزنه قابل اعتنایی به‌شمار نمی‌رود، زیرا دولت در سایه دریافت رانت از خارج دیگر به منابع داخلی (مالیات، عوارض و صدور کالاهای صنعتی و غیره) احسان نیازی نمی‌کند.	۱۴/۹

رانتیریسیم و توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

جدول (۵): استراتژی‌های الگوی SWOT

فهرست قوت‌ها: (S)		عوامل داخلی
شکل‌گیری طبقه متوسط در جامعه	افزایش نهاد سازی اجتماعی	
کمک به ایجاد دولت و نظم سیاسی مدرن	دسترسی ساده اقشار جامعه به شبکه‌های اجتماعی	
ورود عوام به سیاست	انسجام و ثبات سیاسی	عوامل خارجی
فراهم کردن ساز و کار جامعه مدنی	قدرت تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی توسط اقشار جامعه	
فهرست ضعف‌ها: (W)		
عدم جدیت در دریافت مالیات توسط دولت در مقابل عدم پاسخگویی به جامعه	تمرکز منابع عمده درآمد در دست دولت	
عدم شکل‌گیری گروه‌های مستقل اجتماعی	استقلال دولت از جامعه	
استراتژی‌های SO:		فهرست فرصت‌ها: (O)
استفاده از درآمدهای نفتی جهت بهبود سطح رفاه جامعه	کمک به گسترش رسانه‌های آزاد و بهبود زیر ساخت‌های لازم جهت استفاده از شبکه‌های اجتماعی	تقوت بنیه نظامی
گسترش ارتباط با احترام و تعامل با کشورهای دیگر		فراهم شدن راه‌های خروج از وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی
		امکان برقراری روابط بین‌المللی مناسب از طریق درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی
استراتژی‌های WO:		
اصلاح نظام مالیاتی در کشور و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه	کمک به نهاد سازی‌های اجتماعی از طریق سازمان‌های مردم نهاد	
ایجاد ساز و کارها و گسترش فرهنگ مطالبه‌گری در نزد جامعه	کاهش سهم دخالت دولت در اقتصاد	

بحث و نتیجه‌گیری

نقش درآمدهای حاصل از رانت (فروش نفت و فرآورده‌های حاصل از آن) بر میزان رفاه اجتماعی از مسائل مهم و دارای اهمیت در کشورهای نفت‌خیز محسوب می‌گردد، در ایران با وجود ذخائر عظیم نفت و گاز و درآمدهای هنگفت حاصل از آن دچار آمار بالاتر از حد وسط فقر و بیکاری در جهان می‌باشد. پس بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر سطح رفاه اجتماعی از موضوعات مهم قابل بررسی در کشورهای نفت‌خیز می‌باشد تا بتوان از نتایج آن در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی آن کشورها بهره‌ای را برد. برخی از مطالعات پیشین بر این نکته اذعان دارند که درآمدهای نفتی زمانی می‌توانند تأثیر مثبت و پایدار خود را بر رفاه اجتماعی در کشور بگذارند که در جهت تولید ثروت در جامعه گام بردارند، و نیز زمانی می‌توانیم بگوییم که درآمدهای حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های حاصل از آن بر سطح رفاه در جامعه تأثیر مثبت و پایدار گذاشته که باعث کاهش شکاف طبقاتی در آن جامعه گردد. اما آنچه که بیشتر امروزه در جامعه ایران ملاحظه می‌کنیم درآمدهای نفتی بیش‌تر به عنوان مسکنی برای سطح رفاه اجتماعی در کشور است که از طریق واردات کالاهای مصرفی صورت می‌گیرد که این عمل نه تنها نقشی بلندمدت بر سطح رفاه کشور ندارد بلکه از طریق حاصل از آن تأثیر منفی بر اقتصاد به در نهایت رفاه اجتماعی کشور می‌گذارد.

در همین راستا پس از تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا، صحبت از اصلاحات ساختاری بودجه با رویکرد قطع وابستگی به نفت در ایران با دو ضرورت ذیل می‌باشد:

- ۱- ایجاد اختلال در اداره اقتصاد کشور در صورت استمرار رویه‌های جاری (اقتصاد نفتی).
- ۲- الزام تبدیل تهدیدهای ناشی از تحریم به فرصت اصلاحات اقتصادی.

- با توجه به وضعیت فعلی صورت گرفته ۴ هدف باید در نظر داشت:
- ۱- کاهش تدریجی و قطع وابستگی بودجه جاری از درآمدهای نفتی
 - ۲- حذف تدریجی کسری بودجه ساختاری
 - ۳- ایجاد ثبات در اقتصاد کلان: مهار تورم، رونق تولید و تأمین معشیت عمومی
 - ۴- کاهش نابرابری، ارتقای عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد.
- برای اهداف فوق‌الذکر ۶ استراتژی تعریف می‌گردد:
- ۱- کاهش تدریجی اتکای بودجه جاری به درآمدهای نفتی و اهرم کردن این منابع برای توسعه کشور،
 - ۲- مدیریت کسری بودجه بدون اتکا بر منابع بانک مرکزی،
 - ۳- ایجاد درآمدهای پایدار با اصلاح نظام مالیاتی و اصلاح نظام قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی،
 - ۴- بازتعریف وظایف دولت و کاراتر کردن هزینه کرد دولت از طریق اصلاح ساختاری و نهادی،
 - ۵- اولویت‌بندی برنامه‌ها و تعیین سقف‌های بودجه مطابق با قاعده مالی،
 - ۶- افزایش شفافیت و پاسخگویی دولت به مردم.
- با توجه به موارد گفته شده برای کاهش درآمدهای حاصل از نفت و جایگزینی درآمدهای حاصل از دریافت مالیات در بودجه کل کشور ایران باید به دنبال اصلاح ساختار بودجه در کشور رفت. در نتیجه پیشنهاد می‌گردد:
- الف) در وضعیت فعلی کمیسیون‌های مشترک اقتصادی و برنامه‌ریزی اصولی برای تنظیم موافقت نامه‌های اقتصادی تجاری با سایر کشورهای دنیا بخصوص کشورهای منطقه صورت پذیرد.
- ب) برای رسیدن به تعامل سازنده با سایر کشورها بهترین راه تعامل و همکاری سازنده با اقتصاد جهانی و عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌باشد. زیرا آمارها نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد تجارت در دنیا، بین کشورهای عضو سازمان جهانی صورت می‌پذیرد. با عنایت به مخالفت برخی کشورهای عضو سازمان مذکور با ایران باید اعتمادسازی لازم صورت گرفته و تلاش جدی در جهت عضویت در آن صورت بگیرد. زیرا با عضویت در این سازمان ایران قادر خواهد بود با ۱۵۰ کشور دیگر عضو این سازمان به صورت فائده‌مند رابطه اقتصادی برقرار کند (صبوری، ۱۳۹۶: ۱۵۴).
- همواره فراز و فرودهای نرخ نفت به دلیل اتکاء اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به آن موجب عدم تعادل در قسمت‌های مختلف جامعه این کشور گردیده است و همین امر نیز باعث گردیده که دولت‌ها نتوانند همواره پیش‌بینی‌های درستی در برنامه‌ریزی بودجه سالیانه خود از میزان درآمدهای خود داشته باشند. همان‌طور که امروزه به دلیل خروج ایالات متحده آمریکا از توافق برجام و تحریم‌های شدید نفتی متعاقب آن باعث گردید که ایران در تحقق درآمدهای نه‌تنها بر اجرای طرح‌های عمرانی و زیربنایی کشور گذاشت بلکه آینده اقتصادی کشور نیز آثار منفی خواهد داشت. (سلطانی، ۱۳۸۸: ۲) در نتیجه اتکاء

به درآمدهای نفتی غیر از پیامدهای اقتصادی ناشی از آن همواره به لحاظ سیاسی نیز دارای پیامدهایی بوده همانند ابزار تهدید دشمنان.

یک شوک مثبت نفتی در کشورهای صادرکننده باعث افزایش فروش می‌گردد و درآمدهای حاصل از آن عامل کاهش شدید نرخ ارز می‌شود: «کاهش نرخ ارز، کالاهای قابل تجارت در کشورهای دارنده رانت را نسبت به کالاهای مشابه در کشورهای شریک تجاری گرانتر می‌کند و در نتیجه، همزمان با افزایش صادرات منبع طبیعی، صادرات سایر کالاهای قابل تجارت در کشورهای دارای منبع کاهش می‌یابد. بنابراین به جزء بخش مرتبط با منبع طبیعی، سایر بخش‌های تولیدی در این کشورها، که برخلاف بخش تولید و استخراج منبع طبیعی (نفت) دارای ارتباط زیادی با سایر بخش‌های اقتصاد نیز هستند، با رکود شدید مواجه می‌شوند و در نتیجه، کشور دارای منبع طبیعی گام به گام به درآمدهای نفتی وابسته می‌شود.» غیر از آسیب‌های گفته شده نیز باید بدانیم کشور ایران طبق پیش‌بینی‌ها تا ۸۰ سال آینده با منابع فعلی دارای نفت می‌باشد پس اهمیت دارد که دستگاه‌های تصمیم‌گذار به‌طور جد وارد مقوله اقتصاد بدون نفت گردند. و برای آن پیشنهاد می‌شود:

- الف) توسعه و حمایت شرکت دانش‌بنیان به‌عنوان یکی از راه‌های ترقی ایران،
- ب) حمایت از تولید و کالای ایرانی به صورت عملیاتی و نه در حد شعار رفع موانع تولید،
- ج) رونق صنعت کشاورزی البته با برنامه‌ریزی بر اساس منابع آب در شهرها،
- د) رونق صنعت گردشگری با عنایت به جاذبه‌های خاص گردشگری در کشور و تسهیل در ورود گردشگران به کشور،
- ه) حمایت از صادرات غیرنفتی در اختیار گذاشتن تسهیلات در اختیار صادرکنندگان،
- و) تمرکز بر انرژی‌های نو و تجدیدپذیر به جای انرژی‌های فسیلی بخصوص انرژی هسته‌ای،
- ز) توجه بیش از پیش به صندوق توسعه ملی و برنامه‌ریزی بلندمدت برای.

منابع:

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۶). استبداد شرقی: ایران در عصر قاجار، ترجمه‌ی سهیلا ترابی فارسانی، تهران: پردیس دانش و شیرازه.
- بدیع، برتران. (۱۳۷۵)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومس.
- خانیکی، هادی. (۱۳۸۱). رسانه توسعه‌نیافته و جامعه توسعه‌نیافته، روزنامه اعتماد، شماره ۳۲۱، مورخ ۲۳ مهرماه.
- سالنامه آماری ۱۳۹۱ قابل‌بازیابی در: www.salnameh.sci.org.ir/tableshow/printversion.aspx
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۸۶). قانون برنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مؤلف.

- ستاری، سجاد. (۱۳۹۴). صور بنیادی حیات نفتی، دانشگاه علامه طباطبائی، فصلنامه دولت‌پژوهی. دوره ۱، شماره ۲.
- سربخ‌القلم، محمود. (۱۳۹۰). عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران، تهران: نشر فرزاد.
- شفیعی‌فر، محمد. (۱۳۹۴). روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی، تهران، فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۱.
- شکاری، عبدالقیوم. (۱۳۸۹). تئوری دولت رانتیر و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز انقلاب اسلامی.
- قادری، طاهره. (۱۳۹۲). سیاست‌های دولت و توسعه سیاسی (۱۳۸۴-۱۳۶۸)، تهران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۰.
- قوه قضائیه. (۱۳۸۰). روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۶۴۶۲ (۸۰/۶/۱۴).
- کدیور، محمدعلی. (۱۳۸۶). دموکراتیزاسیون در دوران اصلاحات (۸۴-۱۳۷۶)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- محمدزاده، علی. (۱۳۸۲). تناقض‌های موجود در گفتمان جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دوم خرداد سال ۱۳۷۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- میرترابی، سعید. (۱۳۹۵). نفت، سیاست و دموکراسی، تهران: نشر قومس.
- میرترابی، سعید. (۱۳۹۳). درآمدی بر اقتصاد سیاسی نفت و مسائل نفت در ایران، تهران: نشر قومس.
- میرترابی، سعید. (۱۳۸۷). علل روندهای متفاوت توسعه سیاسی و اجتماعی در کشورهای نفت‌خیز، فصلنامه دانشنامه، دوره ۱ شماره ۷۰، زمستان.
- میرزایی، ساناز. (۱۳۹۲). بررسی نقش نفت در توسعه سیاسی، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰). سازمان سیاسی و جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- یرگین، دنیل. (۱۳۷۶). تاریخ جهانی نفت، ترجمه‌ی غلامحسین صالحیار، تهران: انتشارات اطلاعات.

- A. Smith. (1960). The Wealth of Nations (London: Everyman's Library).
- Beblawi, Hazem/Luciani, Giacomo. (eds) (1987). the Rentier State. London and New York: Groom Halem.
- Carolina Duarte, Lawrence P. E t tkin. (2006) Marilyn M. Helms, and Michael s. Anderson. The challenge of Venezuela: A SWOT Analysis.
- D. Ricardo. (1962). The Principles of Political Economy and Taxation (London: Everyman's Library).

- Giacomo Luciani. (2005). Oil and Political Economy in the International Relations of the Middle East in Louise Fawcett ed., International Relation of the Middle East, (Oxford: Oxford University
- Huntington, Samuel. (1971). The change to change: Modernization, Development and politics, Comparative politics Vol 3, No3.
- Kietzmann, J.H., Hermkens, K, Mc Carthy, I.P.Silvestry, B.S. (2011). Social Media? Get Serious! Understanding the Funcitional Bulding Blocks of Social Media Business Horzons, 54 (1).
- Laurie, Brand. (1992). Economic and Political Liberalization in a Rentier Econimy: The Case of the Hashemit Kingdom of Jordan, in Iliya Hark and Denis j. Sullivan, eds., Privatization and Liberalization in the Middle East, (Bloomington: Indiana University).
- Riggs, W.E. (1983). The Delphi Technique: An Experimental Evaluation. Technological Forecasting and Social Changees, Vol.23.
- Yates, Dougles Andrew. (1996). The Rentier State in Afreca: Oil Rent Democracy and Neocolonialism in the Republic of Gobon, Trenton Africa.